

## شاعران زن معاصر و اندیشه های فمینیستی

### ۲. سیمین بهبهانی

#### راضیه زواریان

مقدمه:

در مقاله ای قبل مطالبی راجع به پدیده فمینیسم و راهیابی اندیشه های فمینیستی در ایران و خصوصاً در بین زنان روشنفکر و هنرمند ذکر شد و تأثیرات پدیده فمینیسم و تحولاتی که در اندیشه و تفکرات زنان

فرهینخته و روشنفکر به وجود آورده است بررسی شد. تا چند دهه و حداکثر یک سده پیش زنان ایرانی مثل بسیاری از زنان دیگر کشورها با رضایت از وضع موجود خود زندگی می کردند اما از زمان آشنایی با تفکرات غربی در جهت تغییر و نوسازی جامعه ی خود برآمدند. البته انطباق کامل الگوهای غربی با توجه به شرایط ویژه ی ایران نتوانست برای زنان و خانواده های ایرانی مناسب باشد. و دگرگونی هایی چون تزلزل و سستی بنیان خانواده، کاهش ازدواج و افزایش طلاق بروز برآوردهای تخاصم آبی میان زنان و مردان و مورد انتقاد قرار دادن بعضی از سنت های دیرینه که بنیان ثبات اجتماعی محسوب می شد، از پیامدها و حتی وجه معرف رشد و گسترش فمینیسم در ایران بود.



که البته این تمرینات بیشتر گریزی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی آن زمان بوده است. مرادفندی نیز از این طبقه به دلیل آشنایی با بیشتران و تمرینات جامعه‌شناسی آن دوران بیشتر خواهان برجویی و زهدی زن از جو حاکم بر جامعه و سیستم بردهسالارانه آن بودند.

در مقاله گذشته اندیشه‌های فلسفی در اشعار یکی از زنان شاعر یعنی فرح فرح زاد بررسی شد و در این مقاله به بررسی این پدیده و تأثیرات آن در شعر و زندگی دیگر شاعر معاصر سرکار خانم سیمین بهمانی می‌پردازیم.

### زندگی نامه خانم سیمین بهمانی

قرن حاضر بازنان شاعری را پرورده است که هر یک از آنها چنان افکار و علاقه‌ای در سرودن شعر از خود نشان داده‌اند که تاریخ ادبیات و فرهنگ این جامعه آنان را فراموش نتواند کرد. سیمین بهمانی بدون تردید یکی از آنهاست.

خانم سیمین بهمانی در سال ۱۳۱۶ در محله نصرت آباد تهران در بین خانواده‌ای ادیب چشم به جهان گشود. پدر او عباس علیی نویسنده‌ی توانایی زمان و آثار تحقیقی و تاریخی و مادرش فخر حطینی از بزرگان باغچه‌ی زینت‌ها و فرهنگ‌های روزگار بود. سیمین در محیطی پرورده شد که ارزش و معنی و فعالیت ادبی بود. او از دو دوره سالگی شروع به سرودن شعر کرد و اولین تلاش را در مجامع سالگن شروع و برای روزنامه «نوبهار» به مدیریت ملک الشعرای بهار فرستاد و چاپ شد.

سیمین تحصیلات متوسطه را به پایان برد و در ادامه تحصیلی لیسانس در رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران پیش رفت و به تدریس در دبیرستان و همکاری با مطبوعات پرداخت. از جوانی شروع به سرودن شعر کرد و هر قلم‌سرایان به شهرت شایسته‌ای رسید.

او به زبان انگلیسی و فرانسه آشنایی داشت و ویولون هم خوب می‌نواخت. خانم بهمانی دوبار ازدواج کرده و دارای سه فرزند می‌باشد ولی سالهاست که زندگی را به تنهایی می‌گذراند. و امروز در شمار برجسته‌ترین زنان معاصر ایران محسوب می‌شود.

بعضی از آثار ایشان عبارتند از سه بار شکسته، جای پاد کولی و نامه عشق، رستاخیز، خطی و سرعت و از آتش، داشت ارژنه یک درجه آزادی و...

### اشعار زنانه و زنانه بودن اشعار سیمین

شاعر به عنوان یک زن ایرانی که توانایی‌های درخوری در شعر کلاسیک اندوخته است در جامعه حضور می‌یابد البته وی سمایات‌های وهم انگیز «فروج فرح زاد» را در پیوستگی‌های دور و دراز با حسن رنگی خویش ندارد و به برابری از حسن زنانه



مادرانه دست می یابد در جایگاهی میان فروغ و پروین حضور تکامل یافته و پیوسته ی شاعر از دهه ی ۳۰ به بعد قابل اعتناست یا نشانه هایی از محتصات و وجوه هویت مناقشه آمیز زن ایرانی. هویتی که تلاش می ورزد تا به شخص های معنوی و صوری دست یابد البته این ترقی در شعرهای بیهانی از زن محوری های رایج در فضای اجتماعی جهان نیمه ی دوم قرن بیستم کاملاً دور است. او از نظر نوع و خصلت آفرینش ادبی خویش، امیدواری ها و اندوه های زنانه و مادرانه را به وسعت در شعرهایش منعکس می سازد و در همه حال به عنوان یک شاعر از حس هایش دور نمی شود.

سارا چه شادمان بودی با بقیچه های رنگینت  
شال و حریر و ابریشم، کالای چین و ماچینت  
در دوره ی اول شاعر در سروده هایش تنها از حیات پرمشقت و اندوه بار زن ایرانی و مفاسد اجتماعی که گریبانگیر او بود سخن گفته است. شاعر با دیدن وضعیت و بحیم اخلاقی و فرهنگی جامعه دلش به درد آمده و وضعیت منحرف، ناپسند و دردآور زن را در جامعه به تصویر کشیده است. بخشی از دغدغه های خاطر شاعر و دلواپسی های او در جامعه مربوط به هم جنسان خودش می باشد. بیهانی نتوانسته نسبت به این مسائل بی تفاوت باشد بلکه هر لحظه، فریاد زنی را که هوو دارد، یا به علت داشتن مشکلات اقتصادی مجبور به انجام اعمال خلاف عفت جامعه است، یا زن رفاقه ای که اگرچه شاد است ولی درونش زخمی است از این همه ستمی که به او روا داشته شده، و اسیر و ملغبه ی دست مردانی گرگ صفت است راه با گوش جان می شنود. و با دیدن زنانه و احساسی زنانه آن را درک می کند و عمیقاً دردمند می شود و اشعاری سوزنده و دردآور را می سراید.

تفاوتی که در اشعار دوره اول فروغ و سیمین می توان به آن اشاره کرد این است که در شعر فروغ زن، محور است و همه چیز حول این محور می بچرخد و آنچه گفته می شود فقط احساسات و عواطف و غرایز شخصی و فردی یک زن است که محوریت دارد در واقع من فردی است. اما در شعر سیمین هم محوریت یا زن است اما نه بیان احساسات زنی که درگیر هوی و هوس خویش است بلکه بیان دردها و رنج ها و ستم هایی که بر زن در جامعه اعمال شده است و او را زیر گام های ستم و خودخواهی و خودپرستی مرد خرد کرده است. و او را حتی از طبیعی ترین حق خویش که داشتن آرامش در کانون گرم خانواده است محروم کرده است.

نه مرا همسر و هم بالینی  
که کشد دست وفا بر سر من  
نه مرا کودکی و دلبندی



که برد زنگ هم از خاطر من  
هم از شعری با عنوان "زن در زندان" در مجموعه بی جای یا دارد که در زندان را از  
زیان زنی اشرافی بیان  
می کند که آن زن با همه زر و زیورها در حسرت زنی است که هر چند فقیر است اما

آزاده از قید و بند است.  
مرا عار آید از کاهی که در آن

نه آزادی نه استقلال دارم

مرا این عیش از اندوه خلق است

حلی سلیخ زبانی لاله دارم

زن اشراف هم ملک است و این ملک

ظریف و دلکش و طناز باید

بچه حاصل زین همه سرهای حرمت

که پیش پای کبر من گذارند؟

که او فردا گرم از خود براند

مرا پاس بشیزی هم ندارند

مرا حسرت به بخت آن زن آید

که مردی رنجبره همسراوست

چنین زن، زرخیزد شوی خود نیست

که همکار و شریک و همسراوست

روزگاری شاعر در سروده هایش از زندگی مشقت بار زن ایرانی سخن گفته است

روزگاری دیگر کلمه هائی او را از پس ایده های پرطنینی از مهر و حسن انسانی به جهان

و پیرامون خودش می خوانیم با تمثیل ها و تصویرهایی از زندگی.

سه ربع قرن پیش نقش زن در انقلاب مشروطیت بیشتر سامان دادن به حرکت جامعه برای

رهیدن از پوسته ی انجماد و انحطاط بود با برانگیختن مردان و فرزندان و دیرزمانی است

که به حضور خود در عرصه گاههای تلاش و مبارزه خلاق جامعه آگاه شده و کار آیی و

دستاوردهای مسئولیت پذیر خویش را شناخته است. و شاعر دشت ارژن نیز با شناخت این

نیاز است که با مخاطب قرار دادن گولی! می سراید.

گولی! به شوق رهایی پای بکوب و به خروش

بفرست بیک و پیامی تا پاسخی بستانی

"گولی" سمبل آوارگی سالیان زن است و دردها و ستم هایی که برآورفته است.

از ورای ابهام این شعرها به چشم می خورد.

دشت ارژن خصوصاً گولی واره ها بر این واقعیت فراخور احترام تاکید می کند خود پویا





و گوهر اندیشه بی زمان گزیده بی جامعه بی فرهنگ بی ایران با تکیه بر میراث های اصیل  
 فرهنگی و حسن آئین و اخلاقی توانسته است که نقطه عطفی در رفتارهای اندیشگی با هم زمان  
 و منش های غیر اقلیمی را از ذهنیت خود براندازد بلکه بوینده و جرد دور و با اختلافی شناخت  
 عقلانی از دگرگویی واقعیت های معاصر بخش نیز هوشیار بیرون آید  
 دشت ارژن رشد مستمر و طبیعی ذهنیت شاعرانه بی مستقل و فرهنگ ساز زن در روز شمار  
 فرهنگ و ادبی تاریخ است که با تولد دوباره ی فرخ و آینه اندیشه و در مراحل رشد و  
 تکامل به سر می برد.

سرشت عاطفی و ذاتی حسی زن مرگ سیر است و هزلیت ترین و عشقی ناپدیدترین  
 منابع زندگی است. دشت ارژن آوردگامی است که در آن شخصیت عظیم آلود زن تیغ  
 فریاد بر کف به مصاف هیولای مرگ آمده است تا فرزندگی و آنچه با انگاره های خود  
 و عاطفه روا می ماند صادقانه دفاع کند و سازد و برون آید بی زندگی و حسی زندگی  
 است. زندگی که فرزندش است عرض است و عشق و آینه است و همه ی آنچه نکبت  
 است و

سینه روزی نیست، عشق است و عشق بال پرواز است  
 بالا گرفته کار خونه کوی دوباره زار برون  
 انکار خویشتن چه کنی بر شو و چه نام و چار برون

دشت ارژن آینه ی این مصاف و مندی این عشق حضور است بر این آینه چکر تا تصویر  
 بالا بلند مهربان زن و شرف زن و نفس گلوگی و کوشش و شکستی که در جان او زبانه  
 می کشد را ببینی و تصویر دستای را ببینی که گاه خوره و جان را با هم نکل می دهند  
 شعرهایی از سیمین که با مخاطب قرار می دهند و با هم در عشق از همه سازی خوشی نمی سازد  
 آمده نیز به نوعی ادامه ی کوی و آره هست عشقی از دیدگاه مقابل و با مخاطب قرار دادن  
 آنچه که می توان آئین شد و سیر کنی را به بی نیست داد

عالمی این سروده ها بیان داستان گوید ای از قلعه های تاریخی است در بند گذشته ی زنان  
 که حکایت مطلوبیت مادران این مرز و بوم را به عشق و حسرت باز می نمایند  
 در اینجا حقانی که بین شعر لریج و سیمین به نظر می آید این است که لریج تماماً در  
 شعرش دغدغه زبانه دارد.

سوزهایی را در زندگی و پیرامون خود دیده است که فقط از منظر یک زن می تواند به  
 آنها نگریست و در جهانی هم که به وسعت نامشروع می برد و همه و شماری عاشقانه دارد  
 شعرش زبانه است و گویای حسیت اوست.

اما در شمار تمام ریهایی در کشور جهانی بود که بتواند زبانه ی یک زن شاعر را شناخت و  
 من زبانه ی او را شناس کرد. در شعر او نیز حضور زن است اما بیشتر در شعرهایی اجتماعی  
 او در اشعار عاشقانه ی سیمین کمتر می توان حضور خود سیمین را حس کرد بلکه دیده







تربیتی نیست که در جامعه‌ی ما هنوز مردسالاری بر اکثر روابط ماکم است ولی من مردان را ممنوع نمی‌کنم گناهی اگر هست از جهت قوانین و سنت‌ها و طرز تربیت افراد است و گمان ندارم که مردان ذاتاً بدخواه یا دشمن زنان باشند.

و زبان او بیشتر مردانه است و شخصیت موردنظر در شعر او، زن است و صحبت پیرامون اوست و شعری که من زنانه‌ی سیمین در آن حضور داشته باشد کم است و بیشتر چهره‌ها و شخصیت‌های گوناگون زن را در جامعه تصویر کرده است.

ای ملت گرسنه و نالان چه می‌کنی

ای ملت فقیر و پریشان چه می‌کنی

ای بزرگو که نان شعری از دست رنج خویش

یا نخوت و تکبر اعیان چه می‌کنی

بهیانی از تلقی جامعه گویانه و واقع‌گرایانه‌ی معمول دهه‌های ۲۰-۳۰ آغاز می‌کند و شعرش را با رمانتسم غالب دهه‌ی ۳۰ ادامه می‌دهد و تا دهه‌ی ۴۰ هم می‌کشد و در دهه‌ی ۴۰ چشم اندازهای رمانتیک شاعر دچار تحول می‌شود.

"جای پا" ترکیبی از رمانتسم انسان‌دوستانه‌ی شعر پروین و خصوصیات اروتیک - سیاسی شعر دهه‌ی ۳۰ بود. اساس "جای پا" واقعیت تلخ و مبتذل و همزه‌ی روزمره چون زندگی یک روسپی، یک پالندان، دزد، گورکن و ... است.

وان دگر همسر چندین شب پیش

او همان بود که بیمارم کرد







